

علو کعبه

الحمد لله

www.ketab.ir

نوری، احمد، ۱۳۴۹

علویجه / احمد نوری [آریاچهر]

تهران: آرتامیس، ۱۳۹۸.

۱۰۸ ص: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۵۴-۵-۰

فهرست نویس براساس فیپا

موضوع: علویجه - استان اصفهان - Alavijeh (Iran)

۹۵۵/۹۳۵۲

DSR۲۱۰۷/۱۹۹ ۱۳۹۷

کتابشناسی ملی: ۵۴۵۱۳۵۶



انتشارات آرتامیس

علویجه

احمد نوری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۵-۵-۰

طراح جلد: ریدا دقانیان

چاپ نخست: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

چاپ: دوستان

تلفن: ۶۶۷۵۸۵۳۷

فاکس: ۵۶۳۴۵۱۹۳

www.artamis-pub.com

حق چاپ محفوظ است

فهرست

پیش‌گفتا ۹

بخش یکم

جایگاه جغرافیایی ۱۵

بخش دوم

آثار تاریخی ۲۱

دوران پیش از اسلام ۲۳

کوه تیرچه ۲۳

قلعه‌گیری ۲۶

چهل دختر ۲۹

امامزاده ۳۳

کاریز و قنات ۳۷

غوره ۴۲

غار سنگریز ۴۵

دوران پس از اسلام ۴۸

بخش سوم

دامداری و کشاورزی ۶۱

بخش چهارم

صنعت ۷۵

۸ علویجه

صنایع دستی ۷۷

صنایع ماشینی ۸۱

بخش پنجم

فرهنگ مردم ۸۳

بخش ششم

امکانات شهری ۹۵

به. گرفته شده ۱۰۶

www.ketab.ir

پیش گفتار

کشور ایران سرزمینی است که به درازای آفرینش انسان دارای قدمت زیست و فرهنگ است.

به جرأت می‌توان گفت که پایه‌های نخستین تمدن بشری در ایران شکل گرفته و بسط و گسترش یافته است. گوناگونی نژادهای ایرانی و گستردگی فرهنگی آنان در این سرزمین پهناور که وسعت آن امروز یک سوم سرزمین اصلی ایران است، موجب شده تا در هر دوره‌ی تاریخی از لحاظ ادبی- تاریخی- هنری و معماری در ایران آثار مربوط به دوران تاریخی خودش را بیابیم، ایران سرزمینی است که برای هر دوره‌ی تاریخی حرفی برای گفتن و آثاری برای دادن دارد.

از آثار سنگی مربوط به حدود نهصد هزار سال پیش در کشف‌رود خراسان گرفته تا دوران غارنشینی در ایران بین صد هزار سال تا پانزده هزار سال پیش و دوران دامداری و کشاورزی از هزاره دهم پیش از میلاد تا آثار معاصر [پهلوی و قاجار] همواره مردم این سرزمین دارای فرهنگ خاص همان دوره بوده‌اند. هرچند گاهی مردم و سرزمین ایران تا سرحد سقوط و نابودی کشیده شده‌اند، اما در بدترین و حساس‌ترین دوران تباهی همچنان فرهنگ‌ساز و هنرپرور بوده‌اند. از این‌رو سرتاسر پهنه‌ی سرزمین ایران از آمودریا و سیردریا [ماورالنهر] گرفته تا پنجاب هند، از خلیج پارس تا دریای کاسپین [مازندران]، از اروندرود و خوزستان تا

آذربایجان و ارمنستان همواره آثار گوناگون تاریخی یافت می‌شود. با توجه به این‌که تقریباً از سده‌ی هفدهم میلادی دانش باستان‌شناسی رواج یافته و این سرزمین مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته، هم‌چنان صدها هزار آثار بکر و ناشناخته در کوه‌ها و تپه‌ها و دشت‌های این مرز و بوم باقی مانده که در درون خود اسرار بسیار نهفته دارد. از دید باستان‌شناسی و اکتشافات مربوطه می‌توان ایران را تقریباً بکر و دست نخورده دانست! آثارناهی این کتاب که سال‌هاست در پژوهش‌های ایران‌شناسی دستی دارد به‌طور مستند بسیاری از روستاها و شهرها و یا حتی مناطق غیرمسکونی در آن کویر و کوه‌ها را دیده که اسرار بسیاری از آثار کهن و غنی تمدن و فرهنگ ایرانیان را در درون خود نهفته دارند، البته بسیاری از آن‌ها دست نخورده و ناشناخته هستند. همان‌گونه که هزاران سال زمان برده تا فرهنگ و آثار ابراهیم دید آمده همان‌گونه نیز زمان بسیار نیاز است تا با صرف هزینه و نیروی انسانی و کارشناس به کاوش تاریخ و فرهنگ و باستان‌شناسی این سرزمین کهن و پهناور پرداخت.

متأسفانه به دلیل عدم آشنایی و شناخت مردمان از آثار و تاریخ و بی‌اهمیتی و سودجویی بسیاری از فرهنگ‌فره‌دانان موجب شده تا برخی از آثار پیش از شناخت و پژوهش به تاراج روند و در آن‌ها هم‌چنان در پس پرده تاریخ گم بماند! و یا به سود برخی دیگر نام‌گذاری شود.

از سویی کم‌کاری و کوتاهی سازمان میراث فرهنگی و دیگر سازمان‌های دولتی به این امور دامن گسترده‌تری زده که موجبات ویرانی و چپاول آثار را بیش‌تر فراهم آورده است! بسیاری از کشورها و تمدن‌های نوپا در سرتاسر جهان تمام امکانات تکنولوژی و دانش‌های مربوطه را به‌کار می‌گیرند تا در کورسوی تاریخ اثر و جایی برای خود بیابند، اما در ایران واژگونه است و آنقدر که به تاراج و نابودی آثار می‌اندیشند و همت

می‌گمارند در نگهداری و شناخت آن کوشا نیستند! البته می‌دانیم که این گناه و کوتاهی فقط شامل حال مردم نیست بلکه دولت‌های شکل گرفته در ایران چه در گذشته و چه حال موجبات این مهم را به وجود آورده‌اند. کوتاهی در آگاهی‌رسانی و بالا بردن دانش عمومی مردم، عدم به‌دجه‌گذاری مؤثر، بی‌اهمیت بودن و گاهی بی‌ارزش دانستن تاریخ و فرهنگ، و آثار ایران از سوی دولت مردان و صاحبان مقام و اختیار در گذشته و حال به تاراج و نابودی آثار بیش‌تر دامن زده است.

بر در ایران چه مردمی و چه حکومتی بایسته است تا از تاریخ و آثار این سرزمین به خودی شایسته و بایسته نگهداری و نگهداری نمایند تا شناسنامه‌ی اصیل این سرزمین و فرهنگ مردمان آن دستخوش بازیچه و بی‌احترامی دیگران قرار نگیرد. ارزش تاریخ و فرهنگی آن همواره برقرار بماند و به خود و دیگران شایسته شود. چه بسا که تمدن و فرهنگ هر قومی بیانگر هویت و شخصیت آن می‌باشد. برای این‌که به هویت و ارزش فرهنگی پی برده شود بایستی با شناخت و کاوش و پژوهش در فرهنگ و آثار و تاریخ ایران و به دست آوردن آگاهی آن را نیز به دیگران باز شناساند و آموزاند.

شاید در نگاه نخست یک روستا و دهکده و یا شهر در گوشه و کنار ایران بسیار کم‌ارزش و بی‌اهمیت و یا حتی هزینه‌بر هم باشد، اما آن‌جا دارای آثار بسیار شگفت و ارزشمندی باشد که گاهی با تاریخ جهان پهلو بزنند. مانند روستای پاسارگاد در استان پارس. با توجه به این مهم و ارزشمندی سرزمین ایران همواره موجبات و بهانه جهت شناخت و پژوهش گام به گام آن بایسته است. از این‌رو منطقه‌ی علویجه نیز از این امر دور نبوده و شناخت و پژوهش در آن بی‌لطف و ارزش نیست!

با ورود به شهر علویجه و با نگاهی سطحی و کلی آن را جایگاهی آرام و ساکت و بدون فعالیت و هیاهو می‌یابیم. بسیاری از مردمانی که علویجه را دیده و یا چند روزی را در آن سپری نموده‌اند آن‌جا را محلی جهت آسایش و آرامش و شایسته بازنشستگی و از کار افتادگی می‌دانند. گروهی کوچه‌باغ‌ها و کوی و گذر آن را بسیار ساده و آرام می‌دانند. برخی نیز به دلیل عدم وجود کار و درآمد و امکانات اولیه شهری از آن بی‌گرددان و گریزان هستند که موجبات کوچ و مهاجرت بسیاری را به همراه داشته است! برخی از مردمان چه بومی و چه غیر بومی بعضی از خصوصیات اخلاقی مردم این منطقه را نمی‌پسندند. تمام این دیدگاه‌ها و دیگر آرا به‌طور کلی در جای خود درست و بجاست که جای تامل و اندیشه را دارد، آنچه حواره در این بخش از ایران فراموش شده و بدان توجهی نشده وضعیت و ماهیت تاریخی و فرهنگی و آثار موجود در پیرامون آن است. این امر موجب گشت تا نگارنده‌ی کتاب حدود سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ به‌طور پراکنده و از سال ۱۳۷۶ به‌طور جدی در این منطقه آغاز به کاوش و جستجو کند تا با زبانی نهفته این مکان بکر و دست نخورده از لحاظ باستان‌شناسی و تاریخی بررسی پیدا کرده و آن را به آگاهی دیگران به‌ویژه ایران‌دوستان و فرهنگ‌شناسان برساند. پس از پژوهش‌های انجام شده و جستجو در آثار شهر و پیرامون آن در سال ۱۳۷۸ طی نامه‌ای به پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی در سازمان میراث فرهنگی کشور [در مرکز میراث تهران] از سوی نگارنده‌ی آثار یافت شده و شناخته شده اعلام شد و درخواست شد تا از سوی میراث تحقیقات علمی‌تر و جامع‌تری صورت گیرد، اما پس از گذشت ۲ سال پیگیری نامه و درخواست مربوطه به میراث فرهنگی اصفهان واگذار شد. در سال ۱۳۸۰ با نامه‌نگاری و پیگیری حضوری پاسخ مفید و موثری از سوی میراث

اصفهان دریافت نشد و با سردی و بی‌اهمیتی و کسری بودجه و در برنامه نبودن منطقه در کارهای میراث اصفهان ادامه‌ی پژوهش و شناسایی به عهده‌ی نگارنده‌ی کتاب واگذار شد.

خوشبختانه از آن‌جا که منطقه علویجه زادگاه نیاکان پدری نگارنده‌ی کتاب می‌باشد به بهانه دیدار خویشاوندان و بیتوته‌های چند روزه و یا هنگامی که در طی سال‌ها این امکانات را فراهم آورد که روند پژوهش و جستجو هر چند کند و آهسته ادامه یابد و کار بدین جا انجامد که کتابی در خصوص شناخت این بخش از خاک ایران مینوی [مقدس] بوجود آید. هر چند معایب و نواقص کتاب کوتاه و دارای نارسایی‌هایی است، اما می‌توان آن را نقطه آغازین کارهای فعالیت‌های فرهنگی و تاریخی این بخش از ایران در آینده دانست. برای ایر که شرح و توضیحات متن کتاب به‌ویژه شناخت آثار گویاتر و مستندتر باشد نگرانهایی از برخی آثار تهیه شده است، که برخی از آن‌ها بدون شرح و گزارش، گویا و روشن است. جستجو و کاوش‌های پسین را به آیندگان و دست‌داران فرهنگ ایران‌زمین می‌سپاریم، امید است در آینده‌ای نزدیک بتوان گام‌های مهم‌تر و بهتری در شناخت کامل‌تر تاریخ و فرهنگ این منطقه برداشت و راه‌های کامل‌تر و نوتری ارایه داد تا مورد بهره و پسند اندیشمندان قرار گیرد. توضیحات مربوط به آثار به بخش‌های مربوطه سپرده می‌شود. در هر بخش که شش می‌شود تا به‌طور مفید و گویا شرح مربوطه آورده شود. هرچند در آثار ثبت شده و کتاب‌های نگاشته شده مطلب و نوشته ویژه‌ای درباره‌ی علویجه آورده نشده [لااقل تا آن‌جا که نگارنده جستجو کرده]، اما کوشش می‌شود تا با بهره‌گیری از آثار باستانی و گویش و تاریخ کلی منطقه نادانسته‌ها و ناشناخته‌ها نمایان‌تر شود. از این‌رو کوتاهی و کاستی این

کتاب را به فرهیختگی و دانش خود ببخشایید و راهنمایی باشید برای هرچه بهتر شناختن و پیدایش نادانسته‌ها و ناشناخته‌های این آبادی.

در پایان پیش‌گفتار نیاز است از دوستان و خویشاوندان که برای انجام این گزارش در طی سال‌ها مرا یاری رسانده‌اند سپاس و قدردانی خود را بیان دارم، هر چند کار آن‌ها بسیار پرارج بوده و در سطری چند نمی‌گنجد اما امید است با خواندن این کتاب به ارزش همکاری و همیاری خود پی برده و با شناخت به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی سرزمینی که در آن زندگی می‌نمایند افتخار نموده و خوشنود باشند. هم‌چنین بزرگان که به‌طور پویا در به وجود آمدن این کتاب مرا به‌طور مستقیم یاری رسانده‌اند:

سروران رضوانی و اکبر نوری عموهای گرامیم که در طی سال‌ها وسایل و ابزار و وسیله رفت و آمد و شد به پیرامون شهر و کوه‌ها را فراهم آورده‌اند و هم‌چنین بسیاری از آثار را انسان به نگارنده نمایانده‌اند که در این کتاب مورد بهره قرار گرفته است.

پژوهشگر ایران‌شناسی

احمد نوری (ایاچهر)